

واقع قدری به حساب خودمان گذاشتم که بالاخره ما هم جزو تیم ایشان هستیم. از همین جمله این نتیجه را می‌گیرم که ارتباط شهید با حضرت آقا بسیار عاشقانه بود، بسیار باارادت بود. در صحبت‌هایی که با هم داشتیم آقای فخری زاده مکرراً می‌گفتند ما خیلی از حضرت آقا در کارها عقب‌تریم. ایشان خیلی جلورامی بینند و ما همیشه عقب هستیم و به عبارتی بدهکاریم.

بحث‌های فلسفی

فراموش کردم این مطلب را بیان کنم که آشنایی من با شهید فخری زاده به سال ۷۰ یعنی به ۳۲ سال پیش برمی‌گردد که در دانشگاه امام حسین (ع) با هم همکار شدیم و از همان جا من بیش از گذشته با ایشان آشنا و به شهید نزدیک شدم و دریافتم که شهید فخری زاده علاقه زیادی به مطالعه کتاب‌های فلسفی دارند و فلسفه ملاصدرا را به صورت جدی دنبال می‌کنند. البته کتاب‌های علمای دیگر مثل علامه طباطبایی را هم می‌خواندند ولی تکیه ایشان روی فلسفه ملاصدرا بود. در همان ایام ایشان جلساتی را با موضوع فلسفه در دانشگاه تشکیل دادند که رسمی نبود و به قول معروف خودمانی و هیاتی بود. افراد مختلفی در آن جلسات حضور داشتند و با همدیگر بحث‌های فلسفی می‌کردیم و مشخص شد ایشان توانمندی خوبی در بحث‌های فلسفی کسب کرده‌اند. این قصه ادامه پیدا کرد تا زمانی که شهید به وزارت دفاع منتقل شدند. این جلسات در وزارت دفاع به صورت جدی‌تر دنبال می‌شد. یادم هست مادر دانشگاه مالک اشتر جلسه فلسفی داشتیم و منتظر شهید علیمحمدی بودیم که خبر ترور ایشان را به ما دادند. می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که ایشان در مطالعاتی که در بحث فلسفه داشتند، به این نتیجه رسیده بودند که باید بین علم فیزیک - که خودشان در این حوزه درس خوانده بودند - و فلسفه به ویژه فلسفه اسلامی پیوند قوی برقرار شود. ایشان معتقد بودند که فلسفه ملاصدرا می‌تواند یک سری از مشکلات علم فیزیک را حل کند و در واقع ایشان می‌گفتند ملاصدرا تمام تلاش خود را کرده است تا وجود خدا را اثبات کند، در حالی که نیازی به این کار نیست و وجود خدا کاملاً واضح و روشن است و ملاصدرا و دیگر فلاسفه اسلامی باید کارهای دیگری مانند برقراری ارتباط بین فلسفه اسلامی و علوم تجربی به ویژه فیزیک می‌کردند. اعتقاد ایشان بر این اساس بود و با پیگیری‌هایی که انجام دادند به نظر من کار بی‌نظیر انجام شد. این کار بی‌نظیر این بود در مجموعه دفاعی کشور که باید بحث نظامی و تجهیزات دفاعی دنبال شود و دغدغه اصلی آن معطوف به افزایش توان دفاعی باشد، یک گروه فلسفه را به صورت رسمی تشکیل دادند و این دغدغه را به مقامات بالاتر خود که وزرای وقت باشند

منتقل کردند و آنها را با توضیحاتی که می‌دادند متقاعد کردند که باید در سپند یک گروه فلسفه شکل گیرد که این اتفاق افتاد و کار دلی دانشگاه امام حسین (ع) در وزارت دفاع به بار نشست و ایشان مجوز تشکیل شاخه فلسفه در قالب ساختار تشکیلاتی وزارت دفاع را اخذ کرده و به دنبال این بودند که از مباحث فلسفی برای افزایش توان دفاعی استفاده و این مسأله را کاربردی کنند. من در طول مطالعات پراکنده‌ای که در این حوزه داشتم، ندیدم که کسی با این نگاه وارد فلسفه شده باشد. خبر دارید که ایشان در سال‌های آخر عمر خویش شروع به نوشتن یک کتاب در حوزه فلسفه علم کردند و قسمت‌هایی از این کتاب را نوشته بودند اما مجالی پیدا نکردند کتاب را کامل کنند. بعد از شهادت ایشان دنبال این بودیم که نوشته‌ها را پیدا کنیم و اگر امکانش باشد آنها را تبدیل به کتاب کنیم که متوجه شدیم اخیراً یکی از دانشجویانی که در جلسات فلسفه شهید فخری زاده شرکت می‌کردند، فارغ التحصیل شده و کتابی را در خصوص نظرات فلسفی شهید فخری زاده نوشته‌اند و تلاش مان این است که پس از بررسی و داوری کتاب، آن را به عنوان یکی از دستاوردهای فکری شهید فخری زاده چاپ کرده و به سالگرد بعدی شهید فخری زاده، که در پیش است، برسانیم.

شهید فخری زاده صبور بود

شهید فخری زاده در حوزه ورزشی هم پیشگام بودند. زمانی که در دانشگاه امام حسین (ع) بودیم، مرتباً برنامه فوتبال سالی داشتیم. بعداً ایشان به وزارت دفاع آمدند و این برنامه در آنجا هم ادامه داشت. مرتب ورزش می‌کردیم. ایشان دروازه بان بسیار جسوری بودند و اصلاً ترسی نداشتند و به پای حریف یا تیر دروازه شیرجه می‌زدند و آنجا هم سعی می‌کردند وظیفه‌ای را که برعهده دارند به بهترین شکل انجام دهند و گل نخورند اما از آن مهم‌تر این بود که برخلاف خیلی از ما و از جمله من که در فوتبال حرص زیادی می‌خوردیم، می‌گفتند بازی الکی بود و نه بحث قهرمانی مطرح بود و نه جایزه‌ای در کار است و فقط می‌خواستیم کمی بدویم و عرق کنیم. می‌خواهیم کمی ورزش و تفریح کنیم اما حرص می‌خوریم که چرا خراب کردید، چرا گل خوردید و چرا گل نزدید. شهید فخری زاده در این مورد بسیار صبور بودند و از آنجا که برای من احترام قائل بودند، غیرمستقیم می‌گفتند نمی‌دانم چرا برخی الکی جر می‌زنیم و نمی‌فهمیم این جرنلی برای چیست. فرض کنید توپی اوت می‌شد. بحث می‌شد که اوت به نفع کیست، ایشان می‌گفتند اگر داور هم اشتباهی کرده، مشکلی نیست. به ورزش به عنوان ساعتی که دور هم باشیم، کیف کنیم و تحرکی هم برای سلامتی بدن داشته باشیم، نگاه می‌کردند و اصلاً دغدغه نتیجه نداشتند اما تمام تلاش خود را می‌کردند. بسیار جسور بودند و فوتبال سالی ما چمن نیست، چمن مصنوعی نداریم و بازی در جای سیمانی و سفت است. ایشان در همان سالن سفت و سخت هم بسیار بی‌محابا شیرجه می‌رفتند اما اگر گل می‌خوردند هم مشکلی نداشتند چون تلاش خود را کرده بودند.

دنبال عنوان نبود

در خصوص ساده زیستی شهید فخری زاده باید بگویم ۳۰ سال صبح تا شب در محل کار با هم بودیم و ایشان از نظر ظاهری لباس مرتبی داشتند ولی ساده و معمولی بود و اصلاً دنبال زندگی اشرافی و این که به خودش سخت بگیرد، نبودند. قضایا را خیلی ساده برگزار می‌کردند و این ساده زیستی را در بحث رفتار سازمانی هم مدنظر داشتند. شهید فخری زاده عضو گروه فیزیک و هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع) بودند و همان طور که می‌دانید عضویت در هیات علمی یک ویژگی خاص برای افراد تلقی می‌شود و بسیاری از افراد هستند که می‌خواهند به هر طریقی که شده عنوان هیات علمی را پیدا کنند اما ایشان زمانی که به وزارت دفاع منتقل شدند،



**فخری زاده می‌گفت
ملاصدرا تمام تلاش
خود را کرده است تا
وجود خدا را اثبات کند،
در حالی که نیازی به این
کار نیست و وجود خدا
کاملاً واضح و روشن
است و ملاصدرا و دیگر
فلاسفه اسلامی باید
کارهای دیگری مانند
برقراری ارتباط بین
فلسفه اسلامی و علوم
تجربی به ویژه فیزیک
می‌کردند**